

امنیت در فقه سیاسی شیعه^۱

محمد هاشم رضایی (نویسنده مسئول)^۲

مصطفی جعفر پیشه فرد^۳

چکیده:

مفهوم امنیت یکی از مسائل اساسی و از نیازهای اولیه و ضروری جامعه انسانی است. نقش عنصری امنیت در بهره‌وری از مزایا و مواهب زندگی فردی و جمعی و نیز زمینه‌سازی آن در تکامل و رشد جوامع انسانی، امر روشن و واضح است. در فقه سیاسی شیعه، مسیر زندگانی انسان بر اساس مصالح و منافع واقعی او پایه‌گذاری شده است. بر این اساس مفهوم «امنیت» در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی در ابعاد متعدد آن، به طور متمایز از دیگر مکاتب فقهی و نظام‌های عرفی و بر اساس منابع معتبر اسلامی مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. در نتیجه، فقه سیاسی شیعه اصول و راهکارهای متناسب و متعددی را درباره تأمین عادلانه امنیت و مقابله با تهدیدات و عوامل اختلال آن، شناسایی کرده و تمسک بدان‌ها را لازم شمرده و به آنها فرمان داده است.

واژگان کلیدی: امنیت، فقه سیاسی، شیعه.

۱. پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲

تأیید: ۱۴۰۱/۴/۵

۲. فارغ التحصیل سطح چهار فقه و اصول و ارشد فقه سیاسی

۳. استاد یار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

در فقه سیاسی شیعه مفهوم امنیت در ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، قضایی و... در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی جامعه اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مفهوم «امنیت» برخلاف تصور بعضی، به لحاظ پیشینه و سیر تحول تاریخی از مفاهیم پیچیده و ابهام آمیز نیست. تفاوت متغیرهای تأمین امنیت، نظیر زمان و مکان و نوع حکومت‌ها نمی‌توانند در مفهوم امنیت پیچیدگی و ابهام ایجاد کنند. به موجب همین تفاوت ابزار و متغیرهای امنیت است که چه بسا نظام‌های سیاسی با اتکا بر قدرت تسلیحاتی برای رسیدن به مطامع خود سود جسته‌اند، چنانکه امروزه قدرت‌های غربی با برداشت‌های ظالمانه و سودجویانه از این مفهوم، تحمیل سیاست‌های خویش را به کشورهای در حال توسعه و جهان سوم توجیه کرده و برای ایجاد نفوذ و فروش تسلیحات نظامی و تنظیم مناسبات اقتصادی به نفع خویش استفاده می‌نمایند. اما در فقه سیاسی شیعه تأمین امنیت بر پایه عدالت مورد شناسایی قرار گرفته و از همین رهگذر، یکی از نخستین وظایف مهم حکومت اسلامی و از ضروریات اولیه جوامع انسانی به شمار آمده است. تصدیق این گزاره، نیاز به مجادله چالشی ندارد و در ادبیات اسلامی و فقه سیاسی شیعه از مسلمات شناخته می‌شود. بنابراین در این نوشتار به هدف تبیین مفهوم امنیت در فقه سیاسی شیعه، نخست به معانی واژگان امنیت، فقه، سیاست و سپس به مفهوم امنیت در اصطلاح اندیشمندان و فقه سیاسی شیعه پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم لغوی امنیت

در منابع لغوی معنای امنیت چنین آمده است: در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۷۹: ج ۱). فرهنگ بزرگ سخن، امنیت را چنین معنا می‌کند: در امان بودن از خطر و نداشتن ترس؛ آرامش داشتن (نوری، ۱۳۸۱: ج ۱). همچنین امنیت را به «فقدان خطر نسبت به جان و مال و عرض و حقوق آحاد ناس در جامعه» معنا کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۱). پس در کتب لغت مفهوم امنیت اطمینان، آرامش و محفوظ ماندن حقوق و ارزش‌های انسانی از خطرها و تهدیدهاست.

۲. مفهوم فقه سیاسی

اصطلاح فقه سیاسی از دو واژه «فقه» و «سیاست» ترکیب شده است و معنای لغوی کلمه فقه چنین است: فقه يدل على ادراك الشيء والعلم به (زکریا رازی، بی تا). فقه عبارت است از لفظی که دلالت می کند بر ادراک چیزی و علم به آن. در متون دینی «فقه» علم وسیع و عمیق به معارف و دستورات اسلامی است و اختصاص به بخش خاصی ندارد. قرآن می فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ...» (توبه/۱۲۲)، چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی کند و طایفه‌ای در مدینه بمانند، تا در امر دین (و معارف و احکام اسلام) تفقه و بصیرت کامل یابند. در روایتی از امام جعفر صادق (ع) آمده است: «إِذَا ارَادَ اللّٰهُ بَعْدَ خَيْرٍ اَفْقَهَ فِي الدِّينِ» (کلینی، ۱۴۱۱: ۳۶/۱)، وقتی خداوند نسبت به بنده خود خیر و پاداشی برساند او را بصیرت در دین می دهد. اما فقه در اصطلاح فقیهان شیعه در طی زمان اختصاص به «فقه الاحکام» یافته است، از این رو چنین تعریف شده است: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصيلية» (زین الدین، بی تا: ۲۲)؛ فقه علم به احکام شرعی فرعی از منابع تفصیلی است.

اما واژه سیاست در لغت به معنای حکم راندن بر رعیت و اداره امور داخلی و خارجی کشور آمده است (معین، ۱۳۶۰: ۲). سیاست در اصطلاح به معنای مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شئون کشور در ارتباط با بخشی از زندگی انسان مطرح است و چون به عمل انسان مربوط می شود، ناگزیر با دین که متکفل بیان شیوه‌های زیستن است، تماس پیدا می کند. از این رو یا در تضاد با آن و یا هم سوی آن عمل می کند. در هر دو حال، دین به سیاست نظر دارد و سیاست نیز به نوبه خود در قلمرو دین عمل می کند (زنجانی، ۱۳۸۵: ۷). بنابراین فقه سیاسی عبارت است از: مجموعه احکام، قواعد فقهی و حقوقی مدون که عهده دار تنظیم مناسبات سالم درونی و برونی جامعه اسلامی بوده و به هدف تأمین امنیت اجتماعی، تحقق فلاح و آزادی توصیه و اجرا می گردد. ما در این مختصر با در نظر داشتن تناسب موضوع بحث به برخی احکام و قواعد مزبور اشاره خواهیم کرد. اکنون بعد

از بیان معانی امنیت و فقه سیاسی، به تبیین مفهوم امنیت در اصطلاح اندیشمندان و فقه سیاسی شیعه می‌پردازیم.

۳. مفهوم امنیت در اصطلاح اندیشمندان

با در نظر داشت تعابر لغوی مفهوم امنیت، اندیشمندان در تعریف امنیت به اصطلاح واحدی توافق نکرده‌اند. از این‌رو دو نمونه از تعاریف را در زیر بیان می‌کنیم.

یک) امنیت، عبارت است از: کیفیت احساس تأمین بودن که به معنای احساس آسودگی از ترس و عدم اطمینان است (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ص ۳۱).

دو) امنیت، در مفهوم عینی، فقدان تهدید برای حفظ ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی، فقدان ترس از مورد حمله قرار گرفتن ارزش‌هاست (ولفرز، ۱۳۷۹: صص ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۷۹). بنابراین؛ عناصر اصلی که در این تعاریف از مفهوم امنیت مشاهده می‌گردد، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدهاست که با معانی لغوی آن یکسان است.

۴. مفهوم امنیت در فقه سیاسی شیعه

مفهوم امنیت در فقه سیاسی شیعه عبارت از: «نظم» موجود در جامعه اسلامی (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲/۶۲۰) که حفظ آن، بر عهده حکومت اسلامی است و مراد از «حفظ النظم» محافظت از نظام سیاسی و سرزمین اسلامی در برابر تهاجم خارجی و عدم هرج و مرج داخلی، ایجاد زمینه‌های لازم بهره‌وری برای تحول و ارتقای فرهنگی، اقتصادی و تأمین وحدت و هماهنگی میان اقوام و طوایف در جامعه اسلامی است. بنا بر این رشد، کمال و توسعه جامعه اسلامی در همه ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و... در سایه ایجاد امنیت، نظم، نداشتن ترس، احساس آرامش و آسودگی به دست می‌آید. در قرآن کریم نیز هرجا کلمه «امنیت» به کار رفته، همین معانی نظم، احساس آرامش و آسودگی اراده شده است، چنانکه می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ...» (بقره/۱۲۵). «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...» (عنکبوت/۶۷). «ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَ...» (آل عمران/۱۵۴). «فِيهِ آيَاتٌ بَيْنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ...»

(آل عمران/۹۷). «آنگاه که کعبه را برای مردم محل باز گشت و کسب ثواب و جایگاه امن (و آسودگی) قرار دادیم» و یا «آیا نمی نگرید، که ما حرمی امن (مصون از تعرض و تجاوز) درست کردیم - که ساکنین آن در سایه نظم موجود در معرض قتل و اسارت قرار نمی گیرند و اموا لشان غارت نمی شوند- یا اینکه بیرون این شهر مردم مشغول غارت و چپاول یکدیگرند» و یا «پس از آن غم، خداوند شما را امنیت (آرامش) بخشید به نحوی که خواب، گروهی از شما را فراگرفت» و یا «پس باید خدای این خانه را پرستش کنند، که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات آنها را ایمن (محفوظ داشت)» و یا «هر کس به این شهر وارد شود در امنیت (و نظم مصون از تعرض) قرار دادیم». بنابراین مفهوم امنیت در ادبیات سیاسی - اجتماعی اسلام از همان آغاز پیدایش، از معنای لغوی آن جدا نبوده و دارای یک نوع «مصونیت» و «آرامش» بوده است.

از آنجای که در ادبیات جامعه سیاسی مردم از دو گروه فرمانروایان و فرمانبران تشکیل یافته اند، یعنی از یک طرف اشخاص، گروه‌ها و شهروندان و از طرف دیگر قدرت‌ها و نظام‌های حاکم قرار دارند و باز قدرت‌های حاکم بر جوامع نیز ناگزیراند که با همدیگر مناسبات متقابل داشته باشند، بالتبع مناسبات سیاسی و اجتماعی قدرت‌های سیاسی به دو شکل درونی و برون‌ی تنظیم می‌گردد. بنابراین با در نظر داشتن این واقعیات و الزامات می‌توان بحث از مفهوم امنیت را در جهات مختلف امنیت اجتماعی، بین‌المللی، جهانی، محیط زیستی و حیوانی مطرح ساخت. اما این نوشتار مفهوم امنیت اجتماعی را از دیدگاه فقه سیاسی شیعه به صورت ذیل تبیین می‌کند.

۴-۱. امنیت اجتماعی در حوزه سیاست داخلی

همانطوری که اشاره شد، جوامع انسانی به نظم و نظام سیاسی نیاز دارد تا بتواند پایه‌های اساسی و ارزش‌های آن را محافظت کرده و مصالح آن را کشف و آنها را به کار گیرد، برخواسته‌ها و تمایلات شهروندان و گروه‌های مختلف اجتماعی نظارت نموده و کنترل نماید. در جامعه سیاسی-اسلامی، در قدم نخست مسؤولیت‌ها همگانی است، هر شخص با شمول حکومت همان گونه که مسئول اعمال و رفتار خویش است، نسبت به

اعمال و رفتار دیگران نیز مسئولیت دارد. افراد، اشخاص، گروه های اجتماعی و نظام سیاسی نمی توانند نسبت به سرنوشت مشترک بی اعتنا باشند، همه بر یک دیگر نظارت و کنترل دارند و یار و یاور و همدرد هم اند و در تدبیر امور و اداره کشور با هم شریک مساعی هستند.

پیامبر اکرم (ص) در رابطه به مسئولیت همگانی مردم در راستای امنیت جامعه اسلامی می فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ تمام شما مسلمانان به منزله حافظ و نگهبان و شبان همدیگر هستید و تمام شما نسبت به تمام خودتان مسئولید (مجلسی، بی تا: ج ۷۲ / ص ۳۸)». بنابراین مسئولیت همگانی نخستین راهکار برای دفع تهدیدات و اختلالات نظم جامعه اسلامی است. حال فرقی نمی کند که این تهدیدات و اختلالات ناشی از رفتار غیر مسئولانه نظام حاکم باشد، مانند اینکه در برخی نظام های اسلامی و یا غیر اسلامی به بهانه حفظ نظام و تأمین امنیت اجتماعی، سمتی و نژادی عمل می شود و به حقوق مذهبی و مالکیت های مادی بخشی از شهروندان خصمانه و تبعیضانه برخورد می کنند و آنها را از استیفای حقوقشان با روش قهر و غلبه ممانعت کرده و محروم می سازند. پس فقه سیاسی شیعه همانطور که در قدم نخست بر راهکار همگانی تأمین امنیت اجتماعی تأکید ورزیده است، همچنین اصول و راهکارهای خاصی را نیز در این راستا، بر عهده حکومت اسلامی گذاشته است، که در زیر مورد بحث قرار می گیرد.

۴-۱-۱. اجرای قصاص

راهکار قصاص (در نفس و غیر نفس) برای دفع خیانت پیشگان و اخلاالگران به امنیت اجتماعی جعل شده است. «قصاص: بالكسر والمراد به هنا استيفاء أثر الجناية من قتل أو قطع أو ضرب أو جرح، فكان المقتص يتبع أثر الجاني فيفعل مثل فعله، ويقال: اقتص الأمر فلاناً من فلان إذا اقتص له منه والاصل فيه - قبل الاجماع والسنة المتواتره - قوله تعالى: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۱۷۹) (عاملی، بی تا: ج ۲۹ / ص ۱۸۳). مراد از قصاص در این باب عبارت از استیفای اثر جنایت جانی از قبیل قتل، قطع، ضرب و جرح است و باید با جنایت جانی یکسان و برابر باشد. در مورد قصاص

قبل از اجماع و سنت قرآن کریم می‌فرماید: ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پرهیزکار شوید.

بنابراین اجرای قصاص - در قصاص نفس و غیر نفس - به عهده دولت و مربوط به امنیت اجتماعی و از حقوق ولی مقتول و مجنی علیه است. «عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (ع) قال: من قتلته القصاص بأمر الامام فلا دية له في قتل ولا جراحة» (حر عاملی، بی تا: ج ۲۹ / ص ۱۸۳) هرکسی به امر امام قصاص نفس و یا جراحت انجام دهد دیه آن بر او نیست.

۴-۱-۲. اجرای حدود الهی

حدود جمع حد و حد در لغت: به معنای بازداشتن، دفع کردن، اندازه گرفتن، تمیزکردن و تأدیب نمودن است. اما در اصطلاح فقها «حدود» مجموعه قوانین کیفری الهی اسلام را می‌گویند که حکومت اسلامی بر مجرمان و برهم زندگان امنیت اجتماعی در موارد معین تطبیق و پیاده کرده و او را تطهیر می‌نماید (شکوری، ۱۳۷۷: ص ۱۸۵).

اجرای «حدود» حق شخصی نیست، بلکه جزء حقوق عمومی و هدف تأمین امنیت اجتماعی است و اجرای آن نیازمند قدرت عام و مقبول اجتماعی می‌باشد. در زمینه اجرای حدود توسط حاکم اسلامی صاحب جواهر می‌گوید: «ولا إشكال ولا خلاف فی أنه ینبغی، للامام و من قام مقامه إذا اراد استیفاء الحد، أن یعلم الناس لیتوفروا علی حضوره، بل الذی ینبغی له ایضاً أن یأمرهم به، كما فعله امیر المؤمنین (ع) فانه نادى عند إرادة قیام الحد علی الرجل المقر بما یجبه: یا معشر المسلمین أخرجوا لقیام علی هذا الحد،...» بدون شک بین فقیهان شیعه اتفاق نظر وجود دارد بر این که بر امام المسلمین یا نائب او لازم است در هنگام اجرای حد مردم اطلاع یابند تا در مراسم اجرای حد گرد هم آیند و حتی بر حاکم اسلامی لازم است که مردم را برای اجرای مراسم حد امر به اجتماع نماید، چنانکه امیر المؤمنین (ع) چنین می‌کرد... (نجفی، جواهر، پیشین) بنابراین اجرای «حدود» در واقع زاییده «جرم‌های» اجتماعی است که این جرایم در اشکال مختلف از جمله سرقت، نزاع، راهزنی، آدم ربایی، تبعید، حبس، ضرب، جرح، قتل،

تجاوز، گروگان‌گیری، شکنجه، زنا، لواط، اسلحه‌کشی، ولگردی، کلاه برداری و غیره بروز می‌نمایند و هدف از اجرای حدود تأمین امنیت اجتماعی است.

باز فقه شیعه از مسئله «تعزیرات» نیز به عنوان یکی از راهکارهای تأمین امنیت اجتماعی نام می‌برد و مراد از آن مجازات جرمی است که از طرف شارع معین نشده باشد و او را به عهده حاکم شرع و قاضی گذاشته که خود تشخیص بدهد، مانند تأدیب نوجوانی که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده و مرتکب زنا شود، حاکم شرع او را به تناسب جسمی و روحی او مجازات و تأدیب می‌کند. اما قصاص و حدود در جرایمی است که میزان و کیفیت مجازات مجرم در آن موارد از طرف شارع اسلام دقیقاً معلوم و مشخص شده است و حاکم شرع نمی‌تواند کمتر یا بیشتر از آن حد معین، مجرم را تأدیب کند، مانند زنا که حد مجازات و کیفر آن در موارد متعدد دقیقاً معین شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ص ۳۰۰ و ۳۰۱).

حال، بعد از بیان قواعد و راهکارهای تأمین امنیت اجتماعی در حوزه سیاست داخلی به تشریح امنیت اجتماعی در حوزه سیاست خارجی جامعه اسلامی می‌پردازیم.

۴-۲. امنیت اجتماعی در حوزه سیاست خارجی

نظام‌های سیاسی در مناسبات متقابل خود با کشورهای دیگر یا در حالت جنگ و تنش‌اند و یا دارای امنیت و روابط حسنه‌اند. به عبارت دیگر یا باید از طریق مناسبات سازنده و صلحجویانه و احترام متقابل با یکدیگر از امنیت اجتماعی خود محافظت کنند و یا ناگزیر از راه تقابل نظامی، خشونت و جنگ برای تأمین امنیت اجتماعی به دفاع بپردازند و درست به همین جهت است که شرایط پیچیده و دشوار در مسیر مناسبات بین‌المللی وجود داشته و دارد. فقه سیاسی شیعه برای هر دو حالت جنگ، خشونت و صلح و مناسبات حسنه، اصول و راهکارهایی را ارائه می‌کند که می‌توان با پیروی از آنها از امنیت اجتماعی محافظت کرده و به دفاع برخاست. اگر امنیت، نظم و ارزش‌های جامعه اسلامی در حاکمیت نظام اسلامی در معرض تهدید و خطرات تجاوز دشمنان، - محاربان، بغات و اخلاط‌الگران داخلی و یا متجاوزان و مهاجمان خارجی - قرارگیرند، راهکار

جهاد دفاعی برای مسلمانان واجب می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيُنْصَرْنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج/۴۰) و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعض دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند...».

شهید ثانی می‌گوید: در جهاد دفاعی وجود امام معصوم شرط نیست و هر گاه دشمن (محرابان، بغات و متجاوزان خارجی) بر مسلمانان حمله کند و اسلام در خطر باشد دفاع واجب است و اجازه معصوم و نائب او لازم نیست و اگر دشمن بر گروهی از مسلمانان هجوم کند، بر خود آنها دفاع واجب است و اگر توانایی دفاع را نداشته باشند، بر همسایگان آنها لازم است آنها را کمک دهند و دشمن را برانند و اگر همسایگان آنها توانایی نداشته باشند، بر تمام مسلمانان واجب است از آنها دفاع کنند. وی در ادامه افزوده است: در جهاد دفاعی، قیام بر همگان واجب است مردان، زنان، سالم، مریض، نابینا، و تمام افراد مسلمان (شهید ثانی، ۱۳۸۱: ج ۱ / ص ۴۳۸ و ۴۳۹). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید: اگر دشمن به کشور اسلامی و یا به مرز آن وارد شود و از ورود او بر اصل اسلام و یا بر ملت مسلمان ترس باشد، واجب است با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند، از مال و جان خود دفاع کنند و در این دفاع، حضور امام (ع) و یا اذن او شرط نیست (امام خمینی، بی‌تا: ج ۱ / ص ۴۸۵). اما اگر کشور اسلامی در حالت مناسبات سازنده و صلحجویانه با کشورهای دیگر قرار دارد در چنین حالتی فقه سیاسی شیعه اصول و راهکارهای زیر را شناسایی نموده است:

۴-۲-۱. اصل مصلحت

در کتب لغت، صلاح ضد فساد و اصلاح نقیض فساد آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۲ / ص ۵۱۶-۵۱۷). پس هرکاری که جهت خیری در آن باشد دارای مصلحت است. در فقه شیعه تمام احکام، دستورات و مناسبات بر پایه و اقتضای مصلحت واقعیه جعل

گردیده و در همه ابواب آن، باید قضایا و مسائل را بر اساس مصلحت و خیر در نظر گرفته و مورد بررسی قرارداد. از مسائل مطرح در فقه سیاسی شیعه، مناسبات حکومت اسلامی با اهل کتاب و غیر اهل کتاب است، که این دو مسئله را در زیر به اختصار بحث می‌کنیم:

یک) مناسبات با اهل کتاب: اهل کتاب کسانی هستند که از طرف خدای تعالی برای آنها کتابی آمده باشد، مانند: یهود، نصاری و مجوس. در مورد مجوس نزد فقها اختلاف شده که آیا آنها نیز دارای کتاب آسمانی و پیامبر از طرف خدا هستند یا نه؟ برخی از فقها داشتن کتاب و پیامبر آسمانی را برای مجوس پذیرا نشدند؛ لیکن حکم اهل کتاب را بر آنها جاری کرده‌اند (جزایری، بی تا: ص ۲۱). اهل کتاب به دو گروه تقسیم شده‌اند، مؤمنان و فاسقان. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/ ۱۱۰)، و اگر اهل کتاب، (به چنین آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آنها بهتر است، ولی عده کمی از آنها با ایمانند و بیشتر آنها فاسقند. با گروه فاسقان آنها، نباید مناسبات برقرار کرد و در برابر آنها مطابق اصل مصلحت باید جنبه دفاعی گرفت. فاسقان از اهل کتاب، مانند کافران، در اندیشه تجاوز و نابودی اسلام و تضعیف کردن جامعه اسلامی هستند و با ایجاد مناسبات با حکومت اسلامی، می‌خواهند به مقاصد شوم خود برسند. قرآن کریم در آیات متعدد، حيله‌ورزی و نیرنگ فاسقان را بیان کرده است که هرگز خیر و مصلحت مسلمانان را نمی‌خواهند: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره/ ۱۲۰)، «هرگز یهود و نصاری از تو را ضی نخواهند شد، تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و از آیین تحریف شده آنان، پیروی کنی» و اما مؤمنان از اهل کتاب، که جهت خیر دارند می‌توان با آنها مناسبات مسالمت آمیز اقتصادی، سیاسی و... داشت «... مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ...» (آل عمران/ ۱۱۰)، ولو تنها عده کمی از اهل کتاب با ایمانند...».

امام خمینی (ره) در مورد مناسبات با دشمنان کشورهای اسلامی چنین می‌گوید: «ولو كان في المراتد التجارية وغيرها مخافة على حوزة الاسلام وبلاد المسلمين من استيلاء الأجانب عليها سياسياً أو غيرها الموجب لا استعمارهم أو استعمار بلادهم ولو معنويًا يجب على كافة المسلمين التجنب عنها، وتحريم تلك المراتد (امام خمینی،

ج ۲/ص ۴۸۶)، اگر در مناسبات تجاری و غیر آن، که بیگانگان استیلائی سیاسی بر حوزه اسلام و کشور اسلامی پیدا کنند و در نتیجه، مسلمانان را استعمار کرده و یا کشور آنها را مستعمره خویش نمایند، هرچند بر شیوه استعمار نو باشد، واجب است بر تمام مسلمانان، که آن مناسبات را قطع کنند و آن را به کار نگیرند و به کارگیری آن، حرام است.

دو) مناسبات با غیر اهل کتاب: مشرکان و بت پرستان و کسانی که خدا را نپذیرفتند، با جامعه اسلامی مناسبتی ندارند. آنها خیر و خوبی مسلمانان را نمی خواهند و همواره در صدد ضربه زدن می باشند. بر نفع و مصلحت مسلمانان نیست که با آنها مناسبات داشته باشند، چون آنها قابل اعتماد نیستند، باید در اندیشه پر هیز و دفاع در برابر آنها بود. قرآن کریم می فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحَدِّثْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران/۲۸)، «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را اداره کننده و یاور خود انتخاب کنند؛ و هرکس چنین کند، هیچ رابطی با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا بریده می شود)؛ مگر اینکه از آنها (به خاطر هدف های مهم تری) بپرهیزد و (تقیه کنید). خداوند شما را از نافرمانی خود، برحذر می دارد؛ و باز گشت شما به سوی خداست». در این فرمان، خداوند مسلمانان را از مناسباتی منع کرده که در آن اعتماد و اطمینان بر دوستی باشد، آن هم در برابر دوستی با مؤمنان. معلوم است، که این گونه مناسبات به مصلحت جامعه اسلامی نخواهد بود. اعتماد کردن بر دشمن و او را دوست و یار مهربان دانستن و به جای دوستی با مؤمنان او را بر گزیدن، اشتباهی سخت و کار نارواست. اما اگر مناسبات بر اساس دوستی و اعتماد نباشد، یا برای رعایت مصلحت اسلام و جامعه مسلمین باشد، از آن منع نشده است. بنابراین کشور اسلامی نباید کافران را به عنوان حامی و پشتیبان خود انتخاب کنند و در مناسبات به آنها اعتماد و اطمینان داشته باشند و فریفته سخنان فریبنده ای آنها شوند مگر بنا بر اقتضای مصالح علیای اسلام و مسلمین.

۴-۲-۲. اصل دعوت

فقه سیاسی شیعه بر بنیاد قرآن و سنت معصومین (ع) همه بشریت را به توحید دعوت می کند، و این مهم بدون مناسبات سازنده و آرام با ملل و پیروان ادیان دیگر ممکن نیست. اصل دعوت بر دو قسم است: دعوت عمومی و دعوت خاص.

یک) دعوت عمومی: این دعوت فراخواندن به توحید است، که حتی در فرض نبودن حکومت اسلامی و سیاست خارجی نیز باید دیگران را بدان دعوت کرد و اختصاص به حاکم اسلامی ندارد «اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل / ۱۲۵)؛ «مردم را به راه پرورد گارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن». اصل دعوت در اسلام یک امر تشریفاتی یا تفننی و سرگرمی نیست، بلکه یک فرض شرعی بوده و مانند نماز و روزه، غیر قابل انکار است. پیامبر اکرم (ص) هنگام که سفیران خود را به سراسر جهان آن روز اعزام می کرد، به آنها توصیه می فرمود: «فقط برای خشنودی خدا، بندگانش را پند دهید، چه هرکس که امری از امور مردم به او واگذار شده است، ولی با خیرخواهی آن را انجام ندهد خداوند جنت را بر او حرام خواهد کرد، اکنون بروید و همچون پیک های اعزامی عیسی نباشید...» (جعفری، ۱۳۷۸: ص ۴۱).

غفلت و کوتاهی در امر دعوت موجب غضب و لعن الهی است «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ، كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ...» (مانده/ ۷۸-۷۹)، «کا فران بنی اسرائیل به وسیله داود و عیسی بن مریم لعنت شدند زیرا از حکم حق سرکشی کرده به حقوق دیگران تجاوز می نمودند و یکدیگر را از اعمال زشت نهی نمی کردند». بنابراین از لازمه دعوت عمومی، ایجاد مناسبات سازنده و غیر چالش زا با همه نژادها، گروه ها و ملت ها در سطح جهان به منظور رسیدن به امنیت و آرامش همه جانبه در جامعه اسلامی می باشد.

دو) دعوت خاص: این دعوت قبل از آغاز نبرد و از وظایف حاکم اسلامی است. حاکم و فرمانده مسلمانان به منظور اهتمام به صلح و امنیت و اتمام حجت از دشمن در میدان جنگ دعوت به اسلام و محاسن دین می کند. صاحب جواهر می گوید: «... فلا یبدؤن، ای الکفار الحریبون بالقتال، مع عدم بلوغ الدعوی الیه، الا بعد الدعاء الی

محاسن الاسلام؛ بدون دعوت با کافران جنگ را آغاز نکنید، مگر آن که در ابتدا از آنها دعوت به ارزش‌های اسلامی کرده باشید» (نجفی، بی تا: ج ۲۱ / ص ۵۱). بنابراین، اصل دعوت در فقه سیاسی شیعه در هردو حالت عمومی و در میدان جنگ با روش احسن، بهترین شیوه مناسبات با دیگران در راستای تحقق حق و تأمین امنیت اجتماعی است.

۴-۲-۳. اصل نفی سبیل

یکی از اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی، «نفی سبیل» است که هم منصوص و هم مطابق با سنت قطعی پیامبر اکرم (ص) می باشد. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...» (نساء/۱۴۱)، هرگز خدا برای کافران نسبت به اهل ایمان تسلط نخواسته است». در رابطه به اهمیت این اصل می توان به این مورد اشاره کرد که درست است آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده/۱) حکمی منصوص است، ولی اگر در معاهده سیاسی، اقتصادی و یا امنیتی مصلحت و حیثیت کشور اسلامی لحاظ نشده باشد، بنا بر اصل «نفی سبیل» آن قرارداد ملغی است. یا مثلاً اگر برقراری مناسبات موجب استیلای دشمن بر مسلمین شود، به دلیل اصل نفی سبیل از اعتبار ساقط است. امام خمینی (ره) می گوید: «لو كانت الروابط السياسية بين الدول الإسلامية والاجانب موجبة لاستيلائهم على بلادهم او انفسهم او اموالهم أو موجبة لاستيلائهم السياسي يحرم على رؤساء الدول تلك الروابط و المناسبات، و بطلت عقودها، و يجب على المسلمين إرشادهم و إلزامهم بتركها ولو بالمقاومات المنفية»، اگر یکی از دولت‌های اسلامی با بیگانگان رابطه‌ای برقرار سازد که مخالف با مصلحت اسلام و مسلمین باشد، واجب است بر دیگر دولت‌ها که آن قرارداد را باطل کنند و هر وسیله‌ای که در اختیار دارند به کار گیرند برای قطع این رابطه، بر افراد مسلمان نیز واجب است که به این امر همت گمارند (امام خمینی (ره)، بی تا: ج ۱ / ص ۴۸۶).

مطابق نظر امام خمینی (ره) حفظ نظم و امنیت مسلمین بسیار حائز اهمیت است و برای تحصیل آن نه تنها از حیث علمی که در عمل نیز باید گام‌های بلندی برداشت. حرکت ایشان بر اساس مبانی فکری خاص اوست. همان گونه که ظلم ستیزی‌اش از

باورهای شیعی نشأت می‌گرفت، استعمارستیزی و بیگانه‌ستیزی‌اش نیز این خصیصه را داراست و برای در امان ماندن و نفی سلطه بیگانه بر مقدرات مسلمین همواره به آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» استفاده جسته و بر مبنای تصریحات قرآن و احادیث معصومین، وظیفه مسلم خویش می‌دانست که در جهت سد سبیل کفار بکوشند (عیسی نیا، بی تا: ص ۲۱۱).

۴-۲-۴. اصل پیمان بین المللی

اقوام و ملل غیر اسلامی هنگامی که اندیشه خیانت و توطئه در مقابل اسلام و مسلمین نداشته باشند و بخواهند با صلح و صفا با مسلمانان مناسبات داشته باشند، می‌توانند طرف عقد قرارداد و پیمان شوند. بدین ترتیب، حکومت اسلامی می‌تواند مطابق مصالح علیای اسلامی با آنها عقد «پیمان» داشته باشد. در تاریخ اسلام دیده می‌شود که پیامبر (ص) عهد و پیمان برقرار کرده و به آنها وفادار بوده، چنانکه صلح حدیبیه در سال ششم هجری با قریش معروف است. فقها نیز مسئله صلح و پیمان را بحث کرده‌اند. صاحب جواهر در این زمینه می‌گوید: «المعاهدة وهي المعاهدة على ترك الحرب مدة معينة، بعوض وغير عوض... فهو جائزة اذا تضمنت مصلحة للمسلمين... یعنی بستن پیمان بر متارکه‌ای جنگ برای یک مدت معین، در برابر عوض یا غیر آن، مشروع است، مشروط بر آن که مصالح مسلمانان در آن مد نظر باشد» (نجفی، بی تا: ج ۲۱ / ص ۲۹۱-۲۹۳).

امام خمینی چنین می‌گوید: «دولت غیر اسلامی، هرکدام‌شان با ما بخواهند با عدالت رفتار کنند، ما را به حساب بیاورند... تفاهم می‌کنیم، به استثنای اینکه باید ظلم‌هایی که به ما کرده‌اند، جبران کنند» (امام خمینی، بی تا: ج ۱۱ / ص ۳۶).

پس در اینکه انعقاد «پیمان» با غیر مسلمانان جایز است، فقیهان مسوغات آن را مانند فرصت تقویت نیرو، پذیرش اسلام از جانب دشمن، آرامش و امنیت جامعه و... بیان کرده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴)، به عهد خود وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود». تضمین و زمینه مساعد مناسبات با غیر مسلمانان این است که اگر آنها در اندیشه سودجویانه و استیلا بر مسلمانان نباشند و

قصده براندازی و تضعیف نظام اسلامی را نداشته باشند، می‌توان با آنها مناسبات مسالمت آمیز برقرار کرد. لا ینهاکمُ اللّهُ عن الدّینِ لَمَ یقاتلُوکُمْ فی الدّینِ و لَمَ یُخرِجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ أَنْ تَبْرُؤَهُمْ...» (ممتحنه/۸) «خدا شما را از نیکی کردن به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند». حال، پس از تبیین مفهوم امنیت در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی کشور اسلامی به مباحث ابعاد امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

۵. ابعاد امنیت اجتماعی

بدون شک امنیت اجتماعی در فقه سیاسی شیعه دارای ابعاد مختلف است و از این رو به صورت اختصار بدان می‌پردازیم.

۵-۱. امنیت نظامی

از دیدگاه نظریه‌پردازان و سیاستمداران غیر مسلمان، امنیت نظامی به مفهوم تحمیل قدرت و سیاست سودجویانه و در اختیار داشتن تسلیحات مدرن به منظور زورمندی، تهدید علیه امنیت ملت‌ها و کشورهاست. این تفکر خود باعث به خطر افتادن امنیت و بروز مناقشات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌گردد؛ چنانکه امروزه سیاست‌های تحمیلی و سودجویانه آمریکا را در سایه تسلیحات مدرن در کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مشاهده می‌کنیم. اما از دیدگاه فقه سیاسی شیعه امنیت نظامی به معنای توان پاسداری و دفاع از سرزمین، نظام اسلامی، شهروندان و ارزش‌ها در برابر عوامل اخلال، تجاوز و تهدید علیه کشور اسلامی است، که به وسیله نیروی نظامی و ابزارهای دفاعی امکان‌پذیر می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»، هر نیرو و قدرتی در اختیار دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان متجاوز و اخلالگران به امنیت]، آماده‌سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را (که امنیت شما را به مخاطره انداخته‌اند) بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما

نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! بنا بر این در فقه سیاسی شیعه استفاده از قدرت تسلیحاتی و قوت‌های نظامی کشور اسلامی در راهکاری هراس دشمنان، اعم از محاربان، بغات، اخلا لگران و متجاوزان و مهاجمان خارجی انعکاس یافته است و اساساً، فلسفه جعل اصل جهاد دفاعی در شریعت اسلام داشتن قدرت و آمادگی دفاع در برابر تهدیدات و خطرات بالفعل و بالقوه دشمنان کشور اسلامی می‌باشد.

۲-۵. امنیت فرهنگی

امنیت جامعه اسلامی در ابعاد مختلف خود، نمی‌تواند بدون امنیت فرهنگی محقق شود و پایدار بماند. فقه سیاسی شیعه بر اساس نصوص دینی، فضیلت امر به معروف و نهی از منکر و یا زشتی و عقوبت اضلال و گمراه‌سازی مسلمانان را نشانه‌ی اهتمام شریعت برای تأمین امنیت فرهنگی و فکری جامعه دانسته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ يَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارَ كُمْ فَيَدْعُو خِيَاؤَكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ، باید امر به معروف و نهی از منکر را دشته باشید، و گر نه بدان و فُتِّسَاقَ شما بر شما مسلط می‌شوند [فرهنگ، فکر و اعتقاد شما در معرض تهدید قرار می‌گیرد] بعد خوبان شما خدا را می‌خوانند، ولی دعای‌شان مستجاب نمی‌شود (فروع کافی، بی تا ج: ۴ / ص ۵۶). این عدم استجاب دعا خود موجب سستی اعتقادی مسلمانان و تزلزل بنیه فرهنگی و فکری آنان می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در رابطه به ارزش عقیده و فرهنگ و محافظت و نگهداری آن در برابر تهاجم فرهنگ باطل می‌گوید: «اذا حضرت بلیة فاجعلوا اموا لکم دون انفسکم، و اذا نزلت نازلةً فا جعلوا انفسکم دون دینکم واعلموا ان الهالك لمن هلك دینه...، هرگاه حادثه‌ای پدید آمد که جان شما را تهدید کرد با مال خود دفاع کنید و هرگاه خطری دین شما را تهدید کرد، جان خویش را سپر دین قرار دهید؛ زیرا نابودی دین نابودی انسان و اجتماع است» (عاملی، پیشین: ج ۱۱ / ص ۴۵۱). دقیقاً به علت همین اهتمام امنیت فرهنگی است، که مسئله ارتداد، یعنی شخصی که از اسلام

رجعت کرده و بیرون گردد و کفر اختیار کند از دیدگاه فقهی احکام ویژه دارد که بحث مفصل از انواع ارتداد و احکام آنها در جای خود در کتب فقهی آمده است. بنابراین فقه سیاسی شیعه، امر به معروف و نهی از منکر را از اصول و راهکارهای نرم فرهنگی در جهت تأمین امنیت فرهنگی، سلامت فکری جامعه اسلامی امر واجب می‌داند و نگهداری، خرید و فروش کتب ضلال را از همین بابت حرام می‌داند.

۵-۳. امنیت سیاسی

فقه سیاسی شیعه تشکیل حکومت اسلامی را برای حفظ نظم و اداره جامعه اسلامی امر لازم می‌داند. بدون حفظ نظم و تأمین امنیت اجتماعی احکام الهی اجرا نشده و هرج و مرج حاکم می‌شود. با وجود امنیت اجتماعی است که مناسبات جامعه اسلامی توسط حکومت و اداره اسلامی در دو حوزه سیاست داخلی و بین‌المللی متناسب با حقوق و مسئولیت‌های متقابل تمشی می‌شود. در حکومت و اداره اسلامی این تنها رعیت نیستند که دارای حق و تکلیف می‌باشند، بلکه حاکمان و زمامداران نیز از حقوق و تکالیفی برخوردارند. امیرالمؤمنین علی (ع) در یکی از سخنرانی‌های خود حقوق و وظایف متقابل حاکم و رعیت را چنین تبیین می‌کند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ، وَالْإِجَابَةُ حِينَ أُدْعَوْكُمْ، وَالطَّاعَةَ حِينَ أُمِرُّكُمْ، أَي مَرْدَم، مَرَا بَرَشْمَا وَشَمَا رَا بَر مَن حَقِّي وَاجِبٌ شَدَه اِسْت. حَق شَمَا بَر مَن، أَن كَه اَز خَيْر خَوَاهِي شَمَا دَرِيغ نَوْرَزَم وَبَيْت الْمَال رَا بَيْن شَمَا عَادِلَانَه تَقْسِيم كَنَم، وَشَمَا رَا آمُوْزَش دَهْم تَا بِي سَوَاد وَنَادَان نَباشيد، وَشَمَا رَا تَرِيْت كَنَم تَا رَاه وَرَسْم زَنْدَگِي رَا بَدَانِيد. اَمَّا حَق مَن بَر شَمَا اَيْن اِسْت كَه بَه بَيْعَت بَا مَن وَفَادَار بَاشِيد وَدَر اَشْكَار وَنَهَان بَرَايْم خَيْرخَوَاهِي كَنِيد، هَرگَاه شَمَا رَا فَرَاخَوَانْدَم اِجَابَت نَمَايِيد وَفَرْمَان دَادَم اطَاعَت كَنِيد» (دستی، بی‌تا). بنابراین همین داشتن حقوق و عمل به تکالیف و خیرخواهی متقابل در مناسبات مردم و زمامدار است، که راهکار درک مشترک ایجاد می‌شود تا در جهت پایداری و استحکام نظام سیاسی و اجتماعی استفاده مقتضی صورت

گیرد. مناسبات سالم و وجود همدلی و درک مشترک میان رهبری نظام سیاسی و رعیت موجب عزت آنها می شود و جامعه اسلامی را بر دشمنان، مقتدر و یک دست می سازد و این یک دستی و اقتدار به وجود آمده بقاء و استمرار نظام سیاسی و امنیت جامعه اسلامی را ارتقا بخشیده و حکومت اسلامی را قادر می سازد تا با مخالفان، اخلاالگران به امنیت جامعه اسلامی به گونه سرسختانه و مقتدرانه برخورد کند و در برابر آنها از راه تسامح و تساهل وارد نشود. البته، حکومت اسلامی نباید به بهانه تأمین امنیت ایجاد خفقان کرده آزادی های برحق مردم و جامعه و حق نقد و اعتراض سازنده ای مسئولان نظام سیاسی از سوی دلسوزان و اهل فکر و اندیشه گرفته شود. آزادی بیان و ابراز عقیده چه در امور دینی و چه در امور سیاسی تا مرز عدم اختلال نظام اجتماعی بر اساس آموزه اسلام که می فرماید: «لَا أُكْرَاهُ فِي الدِّينِ...» (بقره / ۲۵۶)، تأثیر بسیار عمیقی در رشد و بالندگی استعداد های فردی و تکامل اقتصادی و معنوی جامعه و اصلاح ساختارهای مختلف آن دارد که بحث تفصیلی راجع به این مسئله فرصت دیگری می طلبد و در این مختصر نمی گنجد.

۵-۴. امنیت اقتصادی

یکی از بنیان های زندگی دنیایی را اقتصاد شکل می دهد. زندگی مادی انسان، ناگزیر از بهره‌وری های گوناگون از مواهب مادی است، اگر از این جهت در امنیت کشور اسلامی کاستی پدید آید، موجب ناامنی و چه بسا باعث خیزش های اجتماعی خواهد شد. مجتبی تهامی در زمینه امنیت اقتصادی می گوید: «امنیت اقتصادی به معنای آن است، که افراد جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی خود در ابعاد اشتغال، معیشت، مسکن، پوشاک، آموزش، بهداشت و درمان درآمد اقتصادی مطلوبی داشته باشند و دولت هم با برخورداری از رشد فزاینده و با دوام ناخالص ملی، قادر باشد هزینه های برنامه های عمرانی خود را با توجه به ضرورت های آینده جامعه تأمین کند. به طور کلی امنیت اقتصادی با توسعه اقتصاد صنعتی کشور، رابطه مستقیم دارد» (تهامی، ۱۳۸۲: ج ۱/صص ۱۰۱ و ۸۹). فقدان برنامه اقتصادی یا اقتصاد بیمار، باعث انواع ناامنی و ناهنجاری و به خطر افتادن عزت و کرامت جامعه می گردد. تهدید و خطر و نبود کرامت انسانی افزون بر

پدید آوردن انواع ناهنجاری، سبب چالشگری و شورش اجتماعی می شود، که نمونه‌های آن را در تاریخ یافته و امروزه در بسیاری از کشورها مشاهده می شود. تولید، محور اصلی رشد اقتصادی است. در این زمینه قرآن دستور می دهد که برای به دست آوردن روزی، تلاشی سرسخت باید در پیش گرفت: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأْمُسُوا فِي مَنَاجِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (ملک/۱۵) او، خدایی است که زمین را رام شما قرار داد برای به دست آوردن روزی، بر دوش‌های آن روان شوید». در روایات، انسان پرتلاش و سازنده، مانند جنگجوی جبهه جهاد معرفی شده است: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (همان، ج ۱۲/ص ۴۳). برای رهایی از وابستگی و اقتصاد بیمار، امام علی (ع) می فرماید: «من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فاعبده الله؛ کسی که آب و خاک در اختیار داشته باشد، در عین حال به بیگانه نیازمند نباشد، از رحمت خدا به دور است» (همان، ج ۱۲/ص ۲۴).

گفت‌وگو حکومت

سال ششم - شماره
دهم - بهار و
تابستان ۱۴۰۱

بنابراین در فقه سیاسی شیعه، به اقتصاد و تولید به اندازه‌ای اهمیت داده شده است که در هنگام بی‌نیازی و داشتن سرمایه نیز نباید از آن غفلت کرد. «معاذ بن کثیر قال: لابی عبدالله (ع) انی قد ایسرت فادع التجارة؟ قال: انک ان فعلت قل عقلک؛ معاذ ابن کثیر می گوید: خدمت امام صادق (ع) گفتم من مرد دارا و ثروتمند هستم می‌توانم تجارت را ترک کنم؟ امام (ع) فرمود: اگر تجارت را ترک کنی، موجب کاستی عقل (فکر و فرهنگ) تو می‌گردد» (همان، ج ۱۲). چنان که فلسفه جعل مالیات‌های شرعی (زکات، خمس، انفال، خراج و...) نیز در جهت تقویت اقتصاد جامعه، رفع نابسامانی، چالش‌ها و تحقق امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی به حساب آمده است.

۵-۵. امنیت قضایی

هر نظام سیاسی به دستگاه قضایی توانا نیاز دارد. عمل قضایی در حقیقت، به منظور تأمین آرامش در مناسبات مردم از یک سو و مردم و دولت از سوی دیگر و همچنین اعلام «حق» در اختلافات حقوقی و به کیفر رساندن مجرمان و اخلاک‌گراان به امنیت است. دستگاه قضایی در هر نظام سیاسی، یکی از ارکان آن نظام است و بلکه باید گفت

مهم‌ترین رکن هر نظام مسأله قضاوت است؛ زیرا در هر حکومتی اگر قضاوت دقیق و عادلانه انجام گیرد، اساس آن، ماندگارتر و محکم‌تر می‌شود، همانگونه که اگر دستگاه قضایی حکومتی، ضعیف و ناعادلانه برخورد کند نشان دهنده ضعف و ناتوانی حکومت خواهد بود و بدون تردید ضعف حکومت‌ها نیز منجر به ناامنی اجتماعی می‌شود (یزدی، ۱۳۸۴: ص ۳۲). در حکومت اسلامی به منظور اقتدار دستگاه قضایی با قضات متخلف و مخالف ثبات و اقتدار دستگاه قضایی با ضوابط برخورد می‌شود. این در حالی است، که در نظام‌های قضایی غیراسلامی برای قضات ضوابطی شرط نشده است؛ یعنی اگر قاضی جرمی مرتکب شود یا فسق او آشکار گردد، نمی‌شود او را از دستگاه قضایی بیرون کرد (همان، ۳۳). امام صادق (ع) در جهت اقتدار امر قضا و ضوابط قضاوت می‌فرماید: «هرکس گرفتار قضاوت شد، باید در اشاره و نگاه کردن و محل نشستن، تساوی را رعایت کند» (عاملی، پیشین: ج ۱۱). امام خمینی (ره) در زمینه تساوی افراد در دستگاه قضاء می‌گوید: «وظایف قاضی چند امر است: واجب است بین دادخواهان تساوی برقرار کند؛ هرچند از نظر مقام متفاوت باشند و این تساوی در چند چیز تحقق می‌یابد؛ در سلام کردن به آنها، پاسخ گفتن به سلام آنها، نگاه کردن به آنها، سخن گفتن با آنها، ساکت شدن در برابر آنها، خوش‌رویی کردن با آنها و دیگر مراسم آداب و احترام، که باید رعایت شود و اجرای عدالت در میان آنها برای [اقتدار و ثبات امر قضا] واجب است» (امام خمینی، پیشین: ج ۲/ص ۴۰۹).

در حکومت اسلامی و دستگاه قضایی برآمده از آن، با رعایت عدالت برای مرتکبان جنایت، تجاوز، اخلا لگرانی که امنیت همگانی را برهم می‌زنند، امنیت قائل نیست و با اقتدار با آنها برخورد می‌شود، زیرا امنیت داشتن این نوع افراد یا گروه‌ها، امنیت عموم را در ابعاد خود مورد تهدید قرار می‌دهد و بر عموم ستم می‌شود. چنانکه در همین زمینه رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در ضمن سخنان هفتم تیر (۱۴۰۱/۴/۷) در دیدار رئیس قوه قضاییه و جمعی از مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی راجع به مسئولیت قوه قضاییه در قبال امنیت روانی و ذهنی مردم فرمودند: امنیت روانی از جمله حقوق عمومی است و دستگاه قضایی باید از نگران کردن و تخریب ذهن مردم به

وسيله شایعات و اظهارات دروغ و هراس افکن افراد مشخص و یا نامشخص در رسانه‌ها و فضای مجازی جلوگیری کند.

بنابراین در فقه سیاسی شیعه امتیاز حکومت اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های سیاسی - عرفی و سکولار و قوه قضایی برآمده از آنها در این است که تأمین امنیت اجتماعی به وسیله حکومت اسلامی و قوه قضاییه برآمده از آن، ناشی از اصل عدالت است و اصل عدالت در مراتب وظایف حکومت اسلامی مقدم بر همه امور از جمله مسئله تأمین امنیت اجتماعی است، که بحث مفصل و مستدل تقدم اصل عدالت بر امنیت در نگرش فقه سیاسی شیعه در مقاله جداگانه در دست تهیه است.

جمع‌بندی نهایی

از مجموع مطالب که در این نوشتار گذشت، به این جمع‌بندی می‌رسیم که اصل امنیت مفهومی است فراگیر و دارای مؤلفه‌ها و جهات گوناگون که حتی می‌توان جهات حیات غیر انسانی را نیز در گستره مفهوم آن به بحث گرفت. البته جنبه حیات غیر انسانی مفهوم امنیت جای خود دارد و در این مختصر نیامده است. با این وصف در فقه سیاسی شیعه امنیت اجتماعی، جزء نیازهای ضروری و اولیه در مناسبات و حیات انسانی شمرده می‌شود. راهکارهای رسیدن به این مهم نیز به دقت انعکاس یافته است. بحث از مفهوم امنیت در دو حوزه درونی و برونی و ابعاد متعدد، به هدف ایجاد زمینه‌های مناسب برخورداری از مواهب زندگی شرافت‌مندانه در جامعه سیاسی - اسلامی مطرح شده است به گونه‌ای که بدون امنیت رشد، بالندگی و توسعه همه جانبه، محفوظ ماندن از خطرات و پایداری نظام سیاسی و جامعه اسلامی ممکن نمی‌باشد. از این رو برای تقابل حکومت اسلامی با تهدیدات بیگانگان و کسانی که امنیت جامعه اسلامی را به صورت ظالمانه و مفسدانه به مخاطره می‌اندازند، اصول و راهکارهای ضروری پیشنهاد کرده است.

واژه امنیت در منابع لغوی و متون اسلامی دارای معنای یکسان بوده و تأمین آن، یکی از مهم‌ترین وظایف نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود. کلمه امنیت از لحاظ مفهومی، بر اثر ابزار و متغیرها در گذر زمان و بستر مکان دچار تغییر و تحول نشده است، ولی همواره

بشر در پی تفسیر و استفاده ظالمانه و سودجویانه از آن بوده‌اند، به خصوص قدرت‌های زورمند تلاش ورزیده تا از آن تفسیر نامتوازن و سودجویانه داشته باشند و نیات استعماری خود را نسبت به کشورها جامه عمل بپوشانند. اما در فقه سیاسی شیعه تأمین امنیت اجتماعی به وسیله حکومت اسلامی به صورت عادلانه آن مشروعیت داشته و مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین فقه سیاسی شیعه در مقایسه با سایر مکاتب فقهی و نظام‌های عرفی و سکولار، دیدگاه متمایز، واقعی، بشردوستانه و یا بشردوستانه‌تری نسبت به تفسیر و تأمین امنیت اجتماعی دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم.
- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، بی تا.
- ابن منظور، *لسان العرب*، (۱۴۰۵ق)، نشر ادب حوزه.
- امام خمینی (ره)، (بهار ۱۳۷۹)، *کتاب البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____، بی تا، *تحریر الوسيله*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- _____، (بی تا) *صحیفه نور*، ج ۳۶.
- تهامی، مجتبی، (۱۳۸۲)، *امنیت ملی*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران: معاونت فرهنگی، مدیریت انتشارات.
- جزایری، شریعتمداری، (۱۳۷۹)، *امنیت در فقه سیاسی شیعه*، فصلنامه علوم سیاسی، شماره نهم، سال سوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱)، *مبسوط در تر مینولوژی حقوق*، گنج دانش، چاپ دوم.
- جهان بزرگی، احمد، (۱۳۸۸)، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زکریا رازی، احمد بن فارس ابوالحسین، (۱۳۸۵)، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی.
- زنجانی، عباسعلی عمید، بی تا، *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زین الدین، حسن، (بی تا)، *معالم الدین*، بی جا.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱)، *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*، نشر مشعر، چاپ ۱۴.
- شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، *فقه سیاسی اسلام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید ثانی، (۱۳۸۱ش - ۱۴۲۳ق)، *الروضه البهیه*، قم: مؤسسه گنج عرفان.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰)، *النهاية*، دارالکتب العربی.
- عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *وسائل الشیعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- عمید، (۱۳۷۹)، *فرهنگ عمید*، تهران: امیر کبیر.
- عیسی نیا، رضا، (بی تا)، *فقها و مسأله امنیت ملی*، فصلنامه علوم سیاسی.

کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۱۱ق ۱۹۹۰م)، *اصول کافی*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *حماسه حسینی*، قم: صدرا.
معین، محمد، (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
نائینی، میرزا محمد حسین، (۱۳۸۲)، *تنبيه الامة وتنزيه الملة*، قم: بوستان کتاب.
نجفی، محمد حسن، (۱۹۸۱م)، *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
نوری، حسن، (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*.
ولفرز، آرنولد، (۱۳۷۹)، «*نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت*»، مهرداد میر عرب، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*، مؤسسه باقرالعلوم، شماره نهم، سال سوم.
یزدی، محمد، (۱۳۸۴)، *عدالت قضایی در جمهوری اسلامی ایران*، مجله حکومت اسلامی، شماره ۳۵.